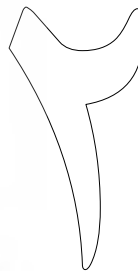


روابط مصر - اسرائیل؛
پیشینه، چالش‌ها و چشم‌انداز
آینده



* حمید احمدی

** آرش بیدالله‌خانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* حمید احمدی استاد دانشگاه تهران می‌باشد.

hahmadi@ut.ac.ir

** آرش بیدالله‌خانی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌باشد.

khani.politician@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۹

فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۷۰-۳۵.

چکیده

اسرائیل از زمان به رسمیت شناخته شدنش توسط مصر و در بیش از نیمی از عمر خود به عنوان یک دولت، صمیمی ترین رابطه را در بین کشورهای همسایه خود با مصر داشته است. این روابط در دوران ریاست جمهوری مبارک، گسترش یافت. مصر به عنوان یکی از مهم ترین کشورهای عربی خاورمیانه و جهان اسلام و تأثیر فکری و فرهنگی مهمی که بر دیگر کشورهای مسلمان دارد و با کنترل کانال سوئز که شاهراه دریایی اصلی برای تجارت بین شرق و غرب است، نقش مهمی در مناسبات منطقه ای و بین المللی ایفا می کند. تحولات داخلی کنونی در مصر و سرنگونی رژیم مبارک، نشانگر آغاز مرحله جدیدی در حیات سیاسی مصر است که ساختار و فضای سیاسی داخلی و احتمالاً جهت گیری های سیاست خارجی آن کشور را با دگرگونی هایی هر چند متفاوت روبه رو می کند. مقاله حاضر ضمن بررسی روابط مصر و اسرائیل از آغاز شکل گیری اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تا زمان سقوط مبارک در چهار دوره تاریخی، به تجزیه و تحلیل تحولات داخلی مصر بر روابط مصر و اسرائیل پس از دوره مبارک خواهد پرداخت. پرسش اساسی پژوهش پیش رو این است که روابط مصر و اسرائیل پس از دوران مبارک و براساس تحولات داخلی به وجود آمده در مصر به کدام سمت می رود؟ بر همین اساس فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که مصر بعد از عبور از دوران گذار انقلابی و عادی شدن مناسبات داخلی و خارجی، به روابط خود با اسرائیل با تفاوت هایی جزئی نسبت به گذشته ادامه خواهد داد. در واقع در سطح دولت - دولت، کشور مصر و اسرائیل به رابطه خود ادامه خواهند داد، اما در سطح مردم - مردم هم جامعه مصر و هم جامعه اسرائیل، هر دو به این رابطه پرتنش بدبین خواهند بود.

واژه های کلیدی: مصر، اسرائیل، روابط، معاهده صلح

مقدمه

منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه که زمانی مهد و خاستگاه تمدن‌های اولیه بشری و محل ظهور و پیدایش ادیان بزرگ بوده، امروزه اهمیت خود را به‌عنوان مرکز استراتژیک ثقل سیاست بین‌المللی، همچنان حفظ کرده است. بخش بزرگی از خاورمیانه را کشورهای عربی مسلمان تشکیل می‌دهند. یکی از مهم‌ترین این کشورها در خاورمیانه و جهان عرب مصر است. اهمیت مصر بر کسی پوشیده نیست و این کشور به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای خاورمیانه در تحولات منطقه‌ای به‌ویژه مسائل اعراب، فلسطین و تحولات شمال افریقا تأثیر به‌سزایی داشته است. مصر در طول تاریخ اخیر آن، در صف مقدم سیاسی و فرهنگی جنبش پان‌عربیسم و جنبش عدم تعهد بوده است. این کشور، از زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸، هدایت و رهبری کشورهای عربی را برای احقاق حقوق فلسطینیان در سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل برعهده داشته است و از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ نیز مصر به‌عنوان یک مهره کلیدی در منازعات اعراب و فلسطین، رهبری امت عرب را در جنگ با اسرائیل برعهده داشته است. اما با قرارداد کمپ‌دیوید و معاهده صلح در سال ۱۹۷۹ دوران جدیدی از روابط بین دو کشور آغاز شد. پس از انعقاد پیمان صلح، مصر ضمن کنار رفتن از رهبری جهان عرب در مناقشات اعراب و اسرائیل و همچنین دوری از بعضی از کشورهای عرب متحد خود در خاورمیانه، به امریکا و اسرائیل نزدیک‌تر شد و این دو کشور به شریک راهبردی تبدیل شدند. از زمان معاهده صلح تاکنون، روابط مصر و اسرائیل سیر مداومی از تخاصم و روابط راهبردی را طی کرده است و همین امر، باعث شده که روابط بین دو کشور به «صلح سرد» مشهور شود.



در مورد روابط مصر و اسرائیل، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. در این آثار، روابط مصر و اسرائیل از ابعاد گوناگون از جمله سیاسی، امنیتی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب «روابط مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰»، اثر *افرایم دووک*^۱ از جمله آثاری است که به روابط مصر و اسرائیل پرداخته است. دووک، در بخش اول این کتاب استدلال کرده است که اگرچه مصر کشوری هم‌تراز چین و یا روسیه و امریکا نیست و نمی‌تواند به‌مانند آنها شریک اصلی و راهبردی امریکا محسوب شود، اما به‌عنوان یک دولت محوری در خاورمیانه، برای اسرائیل فوق‌العاده مهم است. این نویسنده ضمن پرداختن به اصول سیاست خارجی در مصر و اسرائیل و تشریح سفر تاریخی سادات به اورشلیم در نوامبر ۱۹۷۷ که به امضای معاهده صلح در سال ۱۹۷۹ انجامید، این معاهده را سرآغاز راهبردی شدن مصر برای اسرائیل می‌داند. او هنگام بحث از جامعه مصر به این موضوع نیز اشاره می‌کند که جامعه مصر هیچ‌گاه با صلح با اسرائیل موافق نبوده است و مردم این کشور نتوانسته‌اند قربانیانی که در مناقشات اعراب و اسرائیل و در جنگ‌های دوره‌ای کشته شده‌اند، را فراموش کنند. وی به این نکته نیز اشاره می‌کند که نظام سیاسی مصر و ارتش، با سرکوب آزادی‌های فردی و کرامت در جامعه و ایجاد اختناق و توزیع رانت‌های اقتصادی کلان، علاوه بر اینکه، به‌نوعی حافظ صلح شده است، به همان میزان، روحیه و انسجام ملی را از مصری‌ها گرفته است و باعث شده که تنفر آنها به دلیل بیزاری از حکومت به مناسبات مصر و اسرائیل هم تعمیم پیدا کند. در بخش‌های بعدی کتاب دووک ضمن پرداختن به نظر مردم جامعه اسرائیل، شکل‌گیری سیاست در جامعه اسرائیل را نسبت به مصر نه خواسته اختیاری مردم، بلکه نوعی اجبار می‌داند. در بخش پایانی، وی نتیجه می‌گیرد که صلح سرد با تمام نقایص یادشده آن، بهترین جایگزین جنگ است. او می‌گوید، با وجود تمام منافی که صلح سرد برای دو طرف به‌وجود آورده است، اما وضع موجود بین اسرائیل و مصر هر روز خطرناک‌تر خواهد شد. این کتاب از منظری جامعه‌شناختی و از نگاهی اسرائیلی به روابط با مصر نگاه می‌کند (Dowek, 2001). اثر دیگری که به

1. Ephraim Dowek

موضوع رابطه مصر و اسرائیل می‌پردازد، کتاب «فرهنگ و تضاد در روابط مصر و اسرائیل: دیالوگ‌های بی‌صدا» نوشته **ریموند کوهن**^۱ است. موضوع اصلی کتاب همان‌گونه که از نام آن پیداست، زمینه‌های ناسازگاری و تضاد فرهنگی مصر و اسرائیل را پس از پیمان صلح نشان می‌دهد. کوهن در فصل سوم کتاب که مبنای اصلی کتاب است، به این امر اذعان می‌کند که تضادها و ناسازگاری‌های ذاتی که در سنت‌های دو ملت وجود دارد، لرزان بودن پایه‌های صلح و اتکای آن به قدرت را نشان می‌دهد. وی تأکید می‌کند که محاسبات خوش‌بینانه غرب و بعضی از اندیشمندان در مورد صلح دو طرف، عمق و زمینه‌های ریشه‌ای تضاد فرهنگی بین دو طرف را نادیده انگاشته است. کوهن، استدلال می‌کند که به دور از تمام سطوح روابط بین مصر و اسرائیل، مشکلات ناشی از درک متفاوت دو طرف از منافع ملی در آینده مشکل‌ساز خواهد بود. همچنین وی سیستم‌های اطلاعاتی دو کشور و عملیات‌های جاسوسی را که علیه هم انجام می‌دهند، نمونه‌ای از این تضاد می‌داند که با وجود صلح و سطح عادی مناسبات دو طرف، هیچ‌گاه به هم اطمینان پیدا نخواهند کرد. مباحث این کتاب بیشتر بر تضادهای جوامع دو طرف تأکید می‌کند و ضمن جهت‌گیری به‌سوی مباحث مردم‌شناسانه و گفتمانی و آوردن نمونه‌ها و شواهدی از کارهای هر دو کشور، روابط فی‌مابین، بحث‌نخبه‌های دو طرف و روابط در سطح دولت - دولت را به‌نوعی نادیده می‌گیرد و کمتر از آن بحث می‌کند؛ ضمن اینکه دوره زمانی مباحث کتاب تا دهه ۹۰ را دربر می‌گیرد (Cohen, 1990). همچنین در این مورد مقاله‌ای تحت عنوان «مصر و اسرائیل، صلح برگشت‌پذیر» وجود دارد که توسط **دن الدر**^۲ نوشته شده است. نویسنده در این مقاله ضمن تحلیل جنبه‌های مختلف روابط مصر و اسرائیل و جنگ‌های دو طرف به این نکته تأکید می‌کند که عامل ایالات متحده، مهم‌ترین متغیر در روابط مصر و اسرائیل است. وی تأکید می‌کند که امریکا با کمک‌های مختلف خود به مصر، عامل پویایی این روابط است. الدر، ضمن تأکید بر اینکه ارتش مصر به کمک ایالات متحده، یکی از مدرن‌ترین نیروهای نظامی منطقه شده است، بر این نکته تأکید می‌کند که ارتش،

1. Raymond Cohen

2. Dan Eldar



نقش مهمی در آینده مناسبات دو طرف بازی می‌کند. وی اذعان می‌دارد که از نظر کشورهای مختلف منطقه خاورمیانه، مصر یکی از موانع پذیرفتن کشور مستقل فلسطین توسط اسرائیل است. او در مجموع نتیجه می‌گیرد که برای اسرائیل به‌عنوان یک دموکراسی، این باور که بتواند از طریق پیوند با رژیم‌های دیکتاتوری و نادیده گرفتن افکار عمومی آن ملت، صلح را در منطقه خاورمیانه حفظ کند، یک باور غلط است و در آینده موج مشکلات عمیق جامعه مصر، سیستم سیاسی را هم درمی‌نوردد و پس از آن ارتش و امریکا به‌عنوان تنها رابط‌های صلح با اسرائیل و عدم برخورد نظامی دو طرف مطرح خواهند بود (Eldar, 2003: 57-65). مقاله دیگری که در این مورد وجود دارد، مقاله «روابط مصر و اسرائیل» است که توسط کنت استین^۱ نوشته شده است. استین ضمن برشمردن مسائلی که پس از جنگ‌های اعراب و اسرائیل و معاهده صلح باعث اصطکاک میان مصر و اسرائیل شده است (از جمله شکست مذاکرات صلح برای تشکیل کشور فلسطین، رشد و گسترش مداوم شهرک‌های یهودی‌نشین، مسئله صحرای سینا و...) بر این امر اذعان می‌کند که با توجه به مواردی که باعث اصطکاک روابط بین دو طرف می‌شود، از لحاظ هنجاری بدگمانی در روابط دوطرف نهادینه شده است. افکار عمومی در کشورهای عربی نیز به دلیل نقش منفی مصر در مدیریت موضوع فلسطین، به این کشور دیدگاه منفی پیدا کرده‌اند. وی در آخر مقاله با برشمردن ویژگی‌ها و مختصات اصلی روابط مصر و اسرائیل، به این امر تأکید می‌کند که اسرائیل و مصر با توجه به معاهده صلح، علاوه بر اینکه شریک هم هستند، در همان حال برای رهبری منطقه‌ای با هم رقابت می‌کنند. مصر علاوه بر رهبری جهان عرب می‌خواهد تنها کشوری باشد که در منطقه توان کنترل اسرائیل را داشته باشد و اسرائیلی‌ها نیز نمی‌خواهند که مصر در آینده نوعی حق و تو در منطقه و مناسبات اعراب و اسرائیل به‌دست آورد. بر این اساس، رفاقت و رقابت مصر در آینده با چالش‌هایی مقطعی ادامه پیدا خواهد کرد (Stein, 1997: 296-320). به‌طور کلی همان‌گونه که سابقه پژوهش نشان می‌دهد، اکثر کتب و مقالاتی که روابط مصر و اسرائیل را بررسی می‌کنند، ضمن

1. Kenneth W. Stein

برشمردن تصویری کلی از جنگ‌های اعراب و اسرائیل، نقطه‌ اصلی شروع را معاهده صلح می‌دانند. این مقالات و کتب هرکدام از دیدگاهی خاص به روابط این دو کشور نگاه می‌کنند. اکثر تحقیقات با توجه به اینکه در بازه زمانی سال‌های دهه ۸۰ تا ۲۰۰۰ نوشته شده‌اند، به تحلیل روابط در دوره زمامداری حسنی مبارک پرداخته‌اند و پیش‌بینی‌هایشان نیز براساس نظام سیاسی اقتدارگرا در مصر بوده است. با توجه به این مسئله، مقاله حاضر ضمن بررسی روابط تاریخی مصر و اسرائیل از زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تا زمان فروپاشی حکومت حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱ در ۴ دوره زمانی، تمرکز اصلی خود را بر آینده روابط مصر و اسرائیل پس از سقوط مبارک قرار داده است.

تغییر و تحولات اخیر مصر و انقلاب آن بیانگر آغاز مرحله جدیدی در حیات سیاسی مصر خواهد بود. این انقلاب به احتمال زیاد در کوتاه‌مدت، تمام حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی این کشور را متأثر خواهد کرد. بر همین اساس سؤال اساسی مقاله حاضر این است که روابط مصر و اسرائیل پس از تحولات به‌وجودآمده در مصر و برکناری مبارک به کدام سمت می‌رود؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه اساسی پژوهش حاضر این است که مصر بعد از عبور از دوران گذار انقلابی و عادی شدن مناسبات داخلی و خارجی به روابط خود با اسرائیل با تفاوت‌هایی جزئی نسبت به گذشته ادامه خواهد داد. در واقع در سطح دولت - دولت، مصر و اسرائیل به رابطه خود ادامه خواهند داد، اما در سطح مردم - مردم، هم جامعه مصر و هم جامعه اسرائیل هر دو به این رابطه پرتنش بدبین خواهند بود. با توجه به پرسش اصلی و فرضیه اساسی مقاله، پرسش فرعی که این مقاله به‌دنبال پاسخ به آن است، عبارت است از اینکه تفاوت‌های جزئی که در روابط مصر و اسرائیل پس از دوران مبارک به‌وجود می‌آید، در چه زمینه‌هایی به‌وقوع می‌پیوندد و عوامل و زمینه‌های تداوم‌دهنده این روابط چیست؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه فرعی این پژوهش عبارت است از اینکه مصر پس از مبارک در روابط با اسرائیل در وهله اول به دنبال منافع ملی، از جمله منافع اقتصادی و سیاسی خواهد بود و در قضیه فلسطین، مصر سعی خواهد کرد که با همکاری دیگر کشورهای مسلمان، فشار دیپلماتیک بیشتری را برای به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین، به اسرائیل وارد



کند. هرچند با تمام این اوصاف، ایالات متحده و کمک‌های سالانه‌اش به ارتش مصر، باعث می‌شود که در آینده هم آمریکا و هم ارتش مصر نقش مهمی را در مناسبات اسرائیل و مصر ایفا کنند و به‌عنوان عوامل تداوم‌دهنده این روابط شناخته شوند.

روابط مصر و اسرائیل از زمان معاهده صلح به‌این‌سو، فرازونشیب‌های متفاوتی را طی کرده است. با توجه به حوزه‌های مختلف روابط این دو و درکی تئوریک از این حوزه‌ها و عواملی که منجر به ادامه روابط بین آنها پس از دوره مبارک می‌شوند، نوشته حاضر برای تحلیل روابط مصر و اسرائیل و تحلیل آینده‌پژوهانه عواملی که منجر به ادامه این روابط بعد از دوره مبارک می‌شوند، از روش تحلیل تاریخی و روند تجزیه و تحلیل تاریخی در مطالعات آینده‌پژوهی برای تحلیل آینده روابط مصر و اسرائیل استفاده می‌کند. همچنین از آنجا که مهم‌ترین بحث در روابط مصر و اسرائیل بعد از شکل‌گیری اسرائیل تاکنون مسئله امنیت و بقا می‌باشد، برای درکی تئوریک از دوره‌های تاریخی مورد نظر و آینده روابط این دو کشور از نظریه رئالیسم تدافعی نیز استفاده می‌شود.

۱. چهارچوب مفهومی

واقع‌گرایی نوکلاسیک به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل اختصاص دارد که در تبیین سیاست خارجی از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کند. نوکلاسیک‌ها برخلاف نواقع‌گرایان تنها به عوامل سطح نظام توجه ندارند، بلکه بر آن هستند که برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها حائز اهمیت است (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۹). واقع‌گرایی نوکلاسیک مانند سایر شاخه‌های واقع‌گرایی، یکپارچه نیست و خود به دو زیرشاخه واقع‌گرایی آفندی یا تهاجمی و واقع‌گرایی پدافندی یا تدافعی تقسیم می‌شود. با توجه به ساختار مفهومی بحث، ما در اینجا به توضیح نظریه واقع‌گرایی تدافعی خواهیم پرداخت. در رئالیسم تدافعی، دغدغه امنیت، اساسی‌ترین مسئله است (Kirshner, 2010: 4). در واقع ساختار ایستارها و وضعیت‌های روانشناختی که تصمیم‌گیرندگان با توجه به بدگمانی، تشدید موضوعات مورد تعارض، احساس فوریت، عدم اطمینان و همچنین وضعیت‌های

بحران و تعارض در مورد موضوعات مختلف می‌گیرند، می‌تواند تعیین‌کننده دغدغه اساسی نسبت به سطوح امنیت داخلی و بین‌الملل باشد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۷۶).
نواقعی‌گرایان پدافندگرا^۱ یا تدافعی به‌جای رفتار تک‌تک دولت‌ها، علاقه‌مند به تبیین رفتار نظام‌های مرکب از دولت‌ها هستند. در واقع نظام‌ها به دلیل روند مستمر برقراری توازن توسط دولت‌ها که در گذر زمان به نوعی تعادل میان هم می‌رسند به شیوه‌ای که می‌بینیم رفتار می‌کنند. نواقعی‌گرایان تدافعی معتقدند، اگر دولت‌ها بتوانند از وضع موجود امنیت خود محافظت کنند، تمایل بیشتری به حفظ وضع موجود خواهند داشت (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۹). اساس استدلال واقع‌گرایان تدافعی بر این است که می‌توان امنیت را به طرق سهل‌تری نسبت به سیاست‌های توسعه‌طلبانه و یا تهاجمی به‌دست آورد و تمامی کشورها سعی در ایجاد نوعی توازن در نظام بین‌الملل دارند و کشورهایی که قدرت طلب هستند، با مقاومت دیگران روبه‌رو خواهند شد. آنها معتقدند ساختار سیستم بین‌الملل، دولت‌ها را برای حفظ توازن قدرت تشویق می‌کند نه تغییر آن (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). به‌عبارت دیگر نگاه رئالیست‌های تدافعی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است. بنابراین امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا جایی‌که موازنه برقرار است، امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد، کشورها بایستی برای کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید نمایند (Kirshner, 2010: 4).

به نظر **تالیافرو**، مهم‌ترین مفروضه‌های واقع‌گرایی تدافعی عبارتند از: امنیت، ساختار ظریف قدرت، برداشت‌های ذهنی رهبران و عرصه سیاست داخلی. به‌عبارتی واقع‌گرایان تدافعی در مورد سیاست داخلی به قدرت سیاسی ملی - به‌معنای توانایی بسیج منابع مادی و انسانی دولت - بسیار اهمیت می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۳۴). ساخت سیاست توسط افکار عمومی و گروه‌های مختلف جامعه، استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلافات سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان بخش‌های لشکری و کشوری، جملگی توانایی



رهبران و دولت‌ها را برای این بسیج تحت تأثیر قرار می‌دهند.

از آنجا که مهم‌ترین موضوع در روابط مصر و اسرائیل تاکنون انزوای اسرائیل در منطقه و تهدید کشورهای عربی، علیه موجودیت این کشور بوده است، این کشور سعی کرده است با میانجیگری امریکا به‌عنوان یک قدرت بزرگ تأثیرگذار بر نظام بین‌الملل با دولت مصر یک اتحاد امنیتی - استراتژیکی را برقرار کند تا هم از انزوا خارج شود و هم بتواند تهدیدهای امنیتی در منطقه را علیه خویش کاهش دهد و به نوعی موازنه قوا دست پیدا کند. به‌همین ترتیب براساس هریک از چهار دوره مورد بررسی ما یک یا دو عامل از عواملی که در واقع مفروضات تئوریک واقع‌گرایی تدافعی هستند، بر روابط مصر و اسرائیل سایه افکنده و به عامل یا عوامل تأثیرگذار در ادامه روابط این دو کشور تبدیل شده‌اند. براساس همین چهارچوب تئوریک و مفروضات آن، مصر پس از مبارک نیز با تداخل چند عامل پیوسته به هم که برآمده از عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی است به رابطه خود با اسرائیل با تفاوت‌هایی نسبت به گذشته ادامه خواهد داد.

با توجه به این چهارچوب، تبیین تئوریک دوره‌های تاریخی روابط و تجزیه و تحلیل آن برای پی بردن به تبیینی آینده‌پژوهانه از چشم‌انداز روابط، لازم می‌باشد. بر همین اساس مبنای مقاله حاضر برای دست یافتن به چشم‌اندازی از آینده روابط دو کشور، تحقیق تاریخی در مطالعات آینده‌پژوهی با تأکید بر روند تجزیه و تحلیل به‌عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که این روش می‌تواند به تحلیلی درست از آینده و چشم‌انداز روابط بین طرفین منجر شود (خزائی، ۱۳۸۴: ۱۰). تحقیق تاریخی^۱ شامل مطالعه، درک و شرح رویدادهای گذشته است. هدف از مطالعه تاریخی، رسیدن به نتایجی مربوط به علل، تأثیرات یا روند رویدادهای گذشته است که ممکن است به روشن شدن رویدادهای کنونی و پیش‌بینی وقایع آینده کمک کند. روند تجزیه و تحلیل شامل کاربرد هریک از انواع روش‌های مبتنی بر داده‌های سابقه‌ای و تاریخی از روابط است. با نگاهی فرایندی به این داده‌ها در روابط دو کشور که هریک متوجه نمایانگر شدن روندی خاص در روابط است،

می‌توان به این نکته پی برد که براساس روندهای گذشته و موجود، تغییراتی جزئی و کلی در حال حادث شدن است که تا حدودی بر چشم‌انداز آینده تأثیر می‌گذارد (مرادی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۸). نوشتار حاضر نیز براساس همین روندهای تجزیه‌وتحلیل تاریخی و آینده‌پژوهانه به تبیین چشم‌انداز آینده روابط مصر و اسرائیل خواهد پرداخت.

۲. زمان‌بندی روابط مصر و اسرائیل از سال ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۱

۲-۱. دوره گفتگوهای سری و تخاصم ۱۹۴۷-۱۹۷۷

شروع نخستین تماس‌ها یا برخوردها میان مصر و اسرائیل به جنگ اول اعراب و اسرائیل برمی‌گردد. در سال ۱۹۴۸ با اعلام تشکیل دولت اسرائیل کشورهای عربی شامل مصر، عراق، لبنان، سوریه و اردن نیروهای خود را به فلسطین گسیل دادند و جنگ‌های خونینی بین طرفین درگرفت. دوره تشکیل اسرائیل تا معاهده صلح کمپ‌دیوید روابط مصر اسرائیل به صورت تخاصمی و مذاکرات پشت پرده پیش می‌رفت. ارتش‌های کشورهای عربی به سرکردگی مصر چهار جنگ را با اسرائیلی‌ها انجام دادند (Pipes, 2006).

شکست اعراب در جنگ ۱۹۴۸ یعنی نخستین جنگ بین اعراب و اسرائیل به حیثیت اعراب در منطقه صدماتی وارد نمود. تأثیر این شکست در مصر به‌حدی بود که باعث تغییر حکومت مصر شد. جنگ دوم اعراب و اسرائیل با تهاجم اسرائیل به مصر و با پشتیبانی انگلستان و فرانسه آغاز شد. از جمله اقداماتی که باعث خشم فرانسه و پشتیبانی آنها از اسرائیل شد، اقدام جمال عبدالناصر در مورد ملی کردن کانال سوئز بود. به همین منظور اسرائیل با یک نقشه از پیش تعیین شده در شب ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶ برای تسخیر صحرای سینا به مصر حمله کرد (middleeastmonitor, 03 February 2011). فرانسه و انگلیس اکثر شهرهای مصر به‌جز شهر پورت‌سعید و اسرائیل صحرای سینا را اشغال کردند. فشار امریکا و شوروی و دفاع جانانه مردم مصر، بالاخره دو کشور اروپایی را مجبور نمود قرارداد آتش‌بس را بپذیرند. روز نهم نوامبر همان سال، **بن‌گوریون**، نخست‌وزیر اسرائیل، ناچار به قبول تخلیه کامل صحرای سینا شد. پس از تشکیل اسرائیل، مصر تنها کشور عربی بود که می‌توانست



در مقابل توسعه‌طلبی اسرائیل ایستادگی کند (Azar, 1972: 183-184).

اسرائیل که وخامت اوضاع مصر و سوریه را می‌دانست با یک حمله برق‌آسا جهان عرب را با شکست سنگینی روبه‌رو ساخت. هرچند جنگ سوم به جنگ شش‌روزه معروف است، لیکن سرنوشت این جنگ در ساعات اول روز ۵ ژانویه ۱۹۶۷ پس از حمله غافلگیرانه و برق‌آسای اسرائیل و انهدام کامل نیروی هوایی مصر، سوریه و اردن به نفع اسرائیل پایان یافت. اسرائیلی‌ها طی ۶ روز توانستند سراسر صحرای سینا، ساحل غربی رود اردن و قسمتی از ارتفاعات جولان را اشغال کنند (Oren, 2002: 89-99). پس از فوت جمال‌عبدالناصر در سال ۱۹۷۰، انورسادات به ریاست جمهوری مصر رسید. وی با توجه به ضعف شدید مصر در مقابل اسرائیل، تصمیم خود را دایر بر حل و فصل قضیه سرزمین‌های اشغالی از راه مذاکره به اطلاع نمایندگان امریکا که در مراسم تشییع جنازه جمال‌عبدالناصر شرکت کرده بودند، رسانید و پس از آن طی سخنرانی خود اعلام کرد حتی حاضر است در قبال عقب‌نشینی اسرائیل از ساحل شرقی کانال سوئز، یک قرارداد صلح با اسرائیل امضا کند و این کشور را به رسمیت بشناسد. اما اسرائیل با بهانه‌گیری‌های خود موجب شد که سادات راه جنگ را در پیش گیرد (middleeastmonitor, 03 February 2011). همان‌گونه که ملاحظه شد، این دوره یعنی سال‌های ۱۹۴۸ (تشکیل اسرائیل) تا سال ۱۹۷۹ که معاهده صلح کمپ‌دیوید به امضا رسید را می‌توان دوره تخاصم نامید. در این دوره با تشکیل اسرائیل، کشورهای عربی با حمایت از فلسطین به جنگ با اسرائیل روی می‌آوردند. در این میان مصر به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور عربی و به‌عنوان رهبر امت عرب، پیشتاز این جنگ‌ها می‌شود. مصر در این دوران با گرد هم آوردن ملت‌های عرب، مبنای ناسیونالیسم عرب را طرح‌ریزی می‌کند و بدین‌وسیله در برابر اسرائیل به جنگ روی می‌آورد (شاذلی، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۷).

بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹ علاوه‌بر جنگ، گفتگوهای پشت پرده و محرمانه‌ای توسط دولت مصر با اسرائیلی‌ها انجام شد که این گفتگوها به مبنایی برای معاهده کمپ‌دیوید تبدیل شد. اسناد سری که وزارت امور خارجه امریکا در سال ۱۹۷۹ پس از گذشت ۳۰ سال منتشر نمود، نقش امریکا را پس از بریتانیا در تأمین صلح برای اسرائیل و تحمیل اراده اشغال برای اعراب به‌وضوح روشن ساخت

و امریکا از طریق سفیران و وزیران فعال خود ابتدا برقراری صلح جداگانه میان مصر و اسرائیل را به‌عنوان نخستین گام طرح کرد تا پس از آن، کشورهای عربی از مصر دنباله‌روی کنند (Telhami, 1999: 380).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۷، یعنی از زمانی که رژیم اسرائیل به‌وجود آمده است، روابط مصر و اسرائیل تنش‌های متعددی را تجربه کرده است. در این دوره معضل و مسئله امنیت، عامل مهمی در روابط طرفین بوده است. برای اسرائیل امنیت، مهم‌ترین عامل در روابط راهبردی با کشورهای خاورمیانه است. پس از چهار جنگ به‌وجودآمده بین طرفین و شکست اعراب در این جنگ‌ها، مصر با فشار امریکا و دولت‌های اروپایی دیگر به این امر پی برد که جنگ بیشتر نه‌تنها به ساختارهای امنیتی این کشور لطمه سنگینی وارد می‌کند بلکه سال‌های متمادی طرفین باید نسبت به هم در حالت جنگ به‌سر ببرند. به همین دلیل مسئله امنیت در خاورمیانه و حل این معضل برای مصر و اسرائیل که چند جنگ بزرگ را پشت سر گذاشته بودند، دولتمردان مصری را بر آن داشت که تنها راه برای آرام شدن اوضاع، صلح با اسرائیل است؛ کما اینکه فشار کشورهای غربی از جمله امریکا که بر ساختار نظام بین‌الملل و ساختار قدرت آن نفوذ داشت، باعث شد تا مصر، صلح با اسرائیل را بعد از این جنگ‌ها انتخاب کند. پس در این مرحله معمای امنیت برای طرفین از جمله برای اسرائیل مهم‌ترین عاملی بوده که باعث شده طرفین به جنگ با هم بپردازند، ضمن اینکه مصر، اسرائیل را رقیبی برای خود در جهان اسلام می‌دانست و در برابر موازنه تهدید این کشور که پشتیبانی امریکا را نیز به‌همراه داشت، به تهدید متقابل روی آورد؛ ضمن اینکه اول از همه اسرائیل در تلاش برای تبدیل شدن به یک کشور به دنبال حل معضل امنیت خود و تجدیدنظر در نظم امنیتی خاورمیانه دست به تخاصم با مصر زد تا از طریق موازنه امنیت خود با مصر، تهدیدات فوری نسبت به موجودیت و منافع خود را با کمک کشورهای دیگر از بین ببرد.

۲-۲. دوره شروع روابط ۱۹۹۴-۱۹۷۷

سفر انورسادات، رئیس‌جمهور مصر به فلسطین اشغالی، نقطه عطفی در تاریخ

منازعه اعراب و اسرائیل بوده است. این سفر بستر ساز یک تحول تاریخی در منطقه خاورمیانه بود و نقطه آغاز مناسبات قاهره و تل‌آویو محسوب می‌شود. (Okman, 2002: 2-3). به نظر اسرائیلی‌ها، سفر سادات به قدس شریف یک تحول راهبردی در سیاست خارجی مصر بود که باعث شد مصر از چرخه منازعات اعراب و اسرائیل بیرون برود. تصمیم سادات برای رفتن به فلسطین و آغاز مذاکره با اسرائیل یک اقدام آنی و ناگهانی نبوده، بلکه میان رهبران دو طرف به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مذاکرات و گفتگوهایی بوده است. بسیاری از اسناد این ارتباطات و ملاقات‌های سری میان طرفین از دوران **فاروق** و ناصر تا دوران سادات منتشر شده است (Karawan, 1994: 251-253). در کمپ‌دیوید در هفدهم سپتامبر ۱۹۷۸ دو قرارداد میان سادات و **بگین** امضا شد که به گفته **جیمی کارتر** که نقش میانجی را بازی می‌کرد، این دو قرارداد، راه استقرار صلح و ثبات در خاورمیانه را هموار کرد (Quandt, 2003:157-159).

نتایج و ویژگی‌های اصلی قرارداد کمپ‌دیوید برای مصر به‌عنوان نمونه و به‌طور خلاصه به‌شرح ذیل است:

الف - نتایج و ویژگی‌های مثبت:

۱. به رسمیت شناختن متقابل دو کشور؛
۲. خروج کامل نیروهای اسرائیل از شبه جزیره سینا و عبور آزاد کشتی‌های اسرائیل از کانال سوئز؛
۳. این معاهده بدان معنی بود که مصر در حال حاضر رسماً نخستین کشور عربی در به رسمیت شناختن اسرائیل است؛
۴. با برقراری روابط میان مصر و اسرائیل، تل‌آویو بسترهای مساعدی برای ایجاد روابط با جهان عرب به‌دست آورد. بسیاری از کشورهای افریقایی دگر بار مناسبات خود را با اسرائیل برقرار کردند و اسرائیل از حلقه انزوا خارج شد (Zitaran and Caplan, 2010: 39-52).

۵. به‌عنوان بخشی از معاهده، مصر دریافت‌کننده کمک‌های اقتصادی و نظامی از ایالات متحده و بعضاً اسرائیل بود (Sullivan, 1996: 37).

ب - نتایج و ویژگی‌های منفی:



۱. انزوای مصر در منطقه: مصر پس از امضای دو قرارداد صلح کمپ‌دیوید در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ و ۲۶ مارس ۱۹۷۹ با اسرائیل، از سوی اعراب تحریم و منزوی شد. اجلاس سران عرب در بغداد، این تحریم را مشروع ساخت و نهادهای اتحادیه عرب از قاهره به تونس منتقل شد. مردم و دولت مصر از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ زیان‌های این تحریم را تحمل کردند و در این امر نه تنها مصر زیان دید، بلکه جهان عرب با فقدان مهم‌ترین کشورشان، یعنی مصر، زیان کلانی دیدند؛

۲. قدرت نظامی و مانورهای سیاسی مصر در محیط منطقه‌ای و جهانی در پرتو انعقاد قرارداد صلح با اسرائیل محدود شد (middleeastmonitor, 2010) (صبری، ۱۳۸۶: ۸۱).

روند مذاکرات میان اسرائیل و اعراب بلافاصله پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ آغاز شده و به‌طور جدی پس از کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ پیگیری شد. از دهه ۹۰ به بعد مصر به رهبری حسنی مبارک نقش فعال‌تری در مذاکرات برعهده گرفته است. اهداف اساسی اسرائیل از مذاکرات در دهه ۹۰ عبارت بودند از:

۱. حفظ و نگهداری حداکثر ممکن از سرزمین‌های اشغالی اعراب به‌ویژه در منطقه کرانه باختری رود اردن و تسلط بر منابع آبی و موقعیت‌های راهبردی این مناطق؛

۲. مدیریت مذاکرات به شیوه‌ای که به تضعیف و تفکیک جهان عرب منجر و به ایجاد اختلافات میان آنها کمک کند. از این رهگذر، اسرائیل می‌توانست برتری خود را بر اعراب حفظ کند (Zitaran and Caplan, 2010: 95-100).

اسرائیل جنگ‌هایی را در سال‌های ۱۹۷۸، ۱۹۸۲، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶، و تابستان ۲۰۰۶ علیه اعراب و لبنان تحمیل کرد و مصریان براساس معاهده صلح نمی‌توانستند رفتار نظامی با اسرائیل داشته باشند. شکی نیست که اسرائیل در منازعه اعراب به دنبال حداکثر کردن امنیت خود است و بدین لحاظ تا زمانی که امنیت و منافع اسرائیل در منطقه تأمین نشود، از این منازعه حداکثر بهره‌برداری را خواهد کرد (Eldar, 2003: 60). در دوره دوم، زمانی روابط بین مصر و اسرائیل درک و برداشت ذهنی رهبران مصر از جمله سادات و بعد از آن مبارک، آنها را به این نتیجه رساند که برای موازنه تهدید و همچنین رسیدن به منافع حداقلی در نظام بین‌الملل باید با

اسرائیل به صلح برسند. ضمن اینکه ساختار ظریف قدرت نظام بین‌الملل، رهبران مصر را به این نتیجه رساند که برای اینکه بتوانند راهبردهای خود را در این ساختار دنبال کنند، باید صلح با اسرائیل را قبول کنند. در این دوره با وجود مخالفت اکثریت مردم و همچنین گروه‌های مختلف داخلی در مصر، ارتش و رهبران سیاسی - نظامی مصر به منظور توازن با اسرائیل، معاهده صلح را امضا کردند. ضمن اینکه این قرارداد، پیش از هرچیز برای اسرائیل پیروزی بزرگی ایجاد کرد، زیرا از این طریق توانست با پیدا کردن شریکی راهبردی در خاورمیانه، تا حدودی از معضلات امنیتی خود بکاهد و ساختار داخلی خود را احسا کند.

۲-۳. دوره مذاکرات، روابط اقتصادی، عادی‌سازی مناسبات و بروز تنش‌های

دوره‌های ۲۰۰۶ - ۱۹۹۴

پس از کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ بود که مصر رهبری مذاکرات اعراب و اسرائیل را به‌عهده گرفت (Stein, 1991: 2).

مصر در کنفرانس اسلو که سرانجام در سپتامبر ۱۹۹۳ به توافقنامه غزه - اریحا منجر شد، نقش مهمی داشت. این توافقنامه مبنای اصلی طرح به‌اصطلاح صلح خاورمیانه است و تمام تحولات و مذاکرات انجام‌شده از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ میان اسرائیل و ساف در چهارچوب آن است. همچنین مصر در قرارداد طابا نقش مهمی در روند مذاکرات داشت.

از آنجا که پیمان صلح ۱۹۷۹ به اسرائیل دیکته کرده بود که باید نفت و گاز مصر را بخرد، روابط اقتصادی بین دو کشور آغاز شد. بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۰، اسرائیل ۱۸۱ میلیون دلار کالا به مصر صادر کرده است. صادرات، شامل محصولات شیمیایی، کود و فراورده‌های نفتی است. در عوض مصر هم گاز و نفت و همچنین محصولات کشاورزی خود را به اسرائیل صادر می‌کند. مصر و اسرائیل در ژوئن ۲۰۰۵ قرارداد ۲/۵ میلیارد دلاری صادرات گاز مصر به اسرائیل را امضا کردند. مصر در این قرارداد، تضمین کرده که ۱/۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را در طول یک دوره ۱۵ ساله از طریق خط لوله از شهر اریش به شهر مهم و استراتژیک شیلکون اسرائیل صادر کند. همچنین اسرائیل و مصر در سال ۲۰۰۵ طی قرارداد فیلادلفی،

توافق کردند که ۷۵۰ نیروی امنیتی مصر در مرز غزه مستقر شوند تا از قاچاق اسلحه به این منطقه جلوگیری کنند (The Israel Project, Jerusalem Office, 2011). دو کشور همچنین همکاری‌های کشاورزی خود را توسعه دادند. با این وجود مصر از روابط با اسرائیل به دلیل اقتصاد بیمار خود سود زیادی نمی‌برد. به همین دلیل سطح استانداردهای زندگی مردم مصر نسبت به استانداردهای بین‌المللی بسیار پایین است. سازمان ملل متحد تخمین زده است که حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد از مصری‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در این بین هرچه اوضاع اقتصادی مصر وخیم‌تر می‌شود، به همان‌سان مصر به حمایت امریکا بیشتر متکی می‌شود (middleeastmonitor, 03 February 2011).

روابط سیاسی میان قاهره و تل‌آویو طی دهه‌های اخیر هرگز روند عادی نداشته است و همواره تحت تأثیر سیاست‌های منطقه‌ای اسرائیل و منازعه اعراب - اسرائیل بوده است. به همین دلیل از روابط بین مصر و اسرائیل به‌عنوان صلح سرد نام برده می‌شود (Freedman, 1998: 88).

از دیدگاه اسرائیل، مصر به‌رغم کاهش برخی از منابع توانمندی آن، در مقایسه با دیگر بازیگران منطقه هنوز قادر است بر روند تحولات منطقه خاورمیانه تأثیرگذار باشد. ارزیابی راهبردی نخبگان مصر درباره اسرائیل در قالب منبع تهدید تعریف می‌شود. مهم‌ترین علل این ارزیابی عبارتند از: حضور نیروهای نظامی اسرائیل و نیروگاه‌های هسته‌ای آن در مرزهای مصر، و روابط راهبردی امریکا و اسرائیل که امریکا را ملزم به دفاع از اسرائیل کرده است (Gazit, 2009: 69-75). مهم‌ترین مسائلی که روابط مصر و اسرائیل را تحت تأثیر قرار داده‌اند عبارتند از:

۱. شکست گفتگوهای تشکیلات خودگردان فلسطین با اسرائیل؛
۲. حضور مداوم نیروهای اسرائیلی در جنوب لبنان تا سال ۲۰۰۰؛
۳. تداوم شهرک‌سازی و یهودی‌سازی؛
۴. کشتار فلسطینیان در مسجد الخلیل در فوریه ۱۹۹۴؛
۵. تأخیر در به‌اجرا گذاشتن توافق الخلیل در سال ۱۹۹۷ (مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا، ۱۳۸۹: ۳۴۶). با بررسی این رویدادها می‌توان به

این نتیجه رسید که با وجود انعقاد قرارداد صلح، روابط سیاسی اسرائیل و مصر هیچ‌گاه به صورت کامل دوستانه نبوده است، به گونه‌ای که هرگاه دولت مصر موضعی علیه اسرائیل اتخاذ کرده، کلیه احزاب موافق یا مخالف دولت مصر، از این موضع‌گیری حمایت کرده‌اند. با این وجود، مصر به عنوان کشوری که هم با اراضی فلسطین اشغالی و هم با نوار غزه دارای مرز مشترک است، می‌تواند دارای تأثیرات قابل توجهی در بحران‌ها و درگیری‌های میان دو طرف فلسطینی - اسرائیلی باشد، لذا به عنوان یک میانجی تأثیرگذار بر عرصه بحران‌های ایجاد شده مطرح بوده است (مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا، ۱۳۸۹: ۳۴۷).

در دوره سوم روابط مصر و اسرائیل، با توجه به شکل گرفتن روابط دو طرف و گذشت چند سال از امضای معاهده و عادی شدن مناسبات، دو طرف ضمن اینکه هنوز به هم از دریچه موازنه تهدید نگاه می‌کردند، به فعالیت‌های اقتصادی روی آوردند. در این دوره با توجه به مشکلات امنیتی و موازنه بین دو طرف، هرکدام از آنها سعی می‌کردند، به نوعی برای حداکثر کردن منافع خود و تجدیدنظر در وضعیت خود در ساختار نظام بین‌الملل دست به افزایش نفوذ دیپلماتیک، نظامی و... بزنند. حوزه‌های این نفوذ برای هر دو طرف گاه خودشان بودند و گاه برای مصر کشورهای عربی و به عهده گرفتن نقش رهبری در منازعات اعراب - اسرائیل و همچنین تقویت این دیدگاه که تنها کشوری در منطقه است که می‌تواند اسرائیل را کنترل کند. به همین منوال اسرائیل نیز ضمن به حداکثر رساندن منافع امنیتی خود، از طریق مصر به دنبال شرکای راهبردی دیگری در منطقه بوده و نمی‌خواست از مجرای مصر به جهان عرب وارد شود و در مذاکرات با اعراب برگ برنده به دست مصر بیفتد و اسرائیل تحت کنترل مصر باشد. در این بین آمریکا نیز به عنوان یک متغیر دخیل در مواقع بحرانی به عنوان قدرت بین‌المللی بین این دو، نقش میانجی را برعهده داشته است. ضمن اینکه آمریکا پس از امضای معاهده صلح توسط مصر همان‌گونه که وعده داده بود، ضمن کمک به مصر برای برعهده گرفتن نقش منطقه‌ای، سیل کمک‌های مختلف مالی و نظامی را به این کشور گسیل داد.



۴-۲. دوره همکاری و همبستگی ۲۰۱۱-۲۰۰۶

مصر در کنار اسرائیل، ترکیه و عربستان از متحدان منطقه‌ای امریکا محسوب می‌شود و هر تحولی در مصر و سیاست خارجی آن از جمله تحول در روند مذاکرات صلح بر روابط آن با امریکا تأثیر می‌گذارد. زمانی که حسنی مبارک در سال ۱۹۸۱ و بعد از انتقال قدرت، بر ادامه مذاکرات صلح و پایبندی مصر بر معاهدات تصریح شده در قرارداد ۱۹۷۹ تأکید کرد، ثابت شد که مصر می‌تواند در آینده به‌عنوان بزرگ‌ترین متحد اسرائیل در خاورمیانه باشد. امریکا اگرچه یکی از تولیدکنندگان و فروشندگان اصلی سلاح به مصری‌ها است، ولی دو استراتژی را در قبال مصر در منطقه دنبال می‌کند. یکی همکاری و همبستگی مصر - اسرائیل و دومی حفظ برتری نظامی اسرائیل بر مصر (Gerges, 1995: 72-75).

امریکا و دولت *اولمرت* در کنفرانس آنابولیس و دیدار *بوش* از منطقه در ژانویه ۲۰۰۸ از مصر خواسته‌اند همکاری امنیتی و اطلاعاتی خود را با اسرائیل تا انهدام و نابودی مقاومت در فلسطین به رهبری حماس ادامه دهد. قاهره در این جریان تحمیلی متحمل فشارهای سیاسی و مالی از سوی واشینگتن شده است. اسرائیل و امریکا با اعمال فشارهای گوناگون تلاش دارند، رویکرد مداخله مصر در قضیه فلسطین را به سود اولویت‌های امنیتی و سیاسی اسرائیل تنظیم کنند و در این راه از هیچ امری فروگذار نیستند (Odonnel, 2008: 30). با آغاز جنگ ۳۳ روزه لبنان، مصر به‌نوعی با موضعی که اتخاذ کرد به اسرائیل نزدیک‌تر شد. مصر و چند کشور عربی دیگر از جمله عربستان، کویت، امارات و... حزب‌الله را مسئول شروع جنگ معرفی نموده و تجاوزگری اسرائیل را به‌نوعی توجیه کردند (الحافظ، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در مورد نقش مصر در جنگ ۲۲ روزه که اسرائیل آن را عملیات سرب گداخته نامیده بود، اسناد جدیدی از ویکی‌لیکس منتشر شده که نشان می‌دهد اسرائیل در این جنگ با جنبش فتح و مصر هماهنگ بوده است. این اسناد در خبرگزاری‌های متعدد از جمله شبکه خبری فرانس ۲۴ منتشر شده است (France24, 2009); (wikileaks.ch, 2009).

در واقع مهم‌ترین اقداماتی که دولت مصر در زمان حسنی مبارک از سال ۲۰۰۶ و با همکاری اسرائیل در پرونده مذاکرات صلح انجام داده عبارتند از:

۱. طرح موسوم به آشتی ملی فلسطین: حسنی مبارک پس از شکست جریان فتح که به نوعی متحد قاهره در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شد، با اعمال فشار به جریان حماس از این جنبش خواست، وزرایی را در دولت در اختیار جریان فتح قرار دهد. این درخواست در چهارچوب پرونده‌ای صورت گرفت که به طرح «آشتی ملی مصر» معروف شد. این درحالی بود که ملت فلسطین در انتخابات سال ۲۰۰۶ به برنامه‌های انتخاباتی جنبش حماس رأی دادند و برنامه‌های فتح را نپذیرفتند (Siasat, 24 January 2010).

۲. بستن گذرگاه رفح در طول جنگ ۲۲ روزه (Pchrgaza, December 2009).

۳. احداث دیوار فولادی در مرز با نوار غزه به منظور محاصره کامل مردم در این منطقه (middleeastmonitor, 2010).

۴. جلوگیری از ورود کاروان‌های شکست محاصره غزه به این منطقه: پس از گزارش قاضی گلدستون مبنی بر ارتکاب جنایت جنگی توسط اسرائیل در جریان جنگ ۲۲ روزه، موجی از همدردی‌های بین‌المللی با مردم غزه آغاز شد (Goldstone, Reporter, 2009).

در دوره چهارم روابط مصر و اسرائیل حوزه همکاری‌های راهبردی مصر و اسرائیل افزایش می‌یابد. در این دوره، نقش امریکا به‌عنوان ضلع سوم این اتحاد راهبردی بیشتر می‌شود. در واقع در این دوره یک اتحاد استراتژیک امنیتی سه‌ضلعی در منطقه بین اسرائیل، امریکا و مصر به وجود آمد که ناشی از تهدید بالقوه کشورهای خاورمیانه از جمله ایران، ترکیه و کشورهای عربی علیه موجودیت اسرائیل بود (جنگ غزه و اتفاقات پس از آن، اعتراضات کشورهای خاورمیانه را نسبت به اسرائیل بیشتر کرد) و مصر هم در ایجاد این حلقه اتحاد، تحت تأثیر پیمان استراتژیک خویش با اسرائیل و امریکا قرار داشت. در این دوره است که کم‌کم گروه‌های سازنده سیاست داخلی مصر و جامعه مدنی سرکوب‌شده آن به اقدامات مبارک در جنگ غزه و همچنین دیگر اقدامات و کارشکنی‌های مبارک اعتراض می‌کنند. اما مبارک و ساختار حاکمه رهبران مصر با درک و برداشتی که از منابع و توانمندی‌های قدرت خود و ساختار نظام بین‌الملل دارند، این بار نیز جلوی افکار عمومی ایستادند و به همکاری‌های خود براساس معاهده صلح با اسرائیل و امریکا ادامه دادند.

۳. تحولات مصر و مسئله اسرائیل بعد از سقوط مبارک

در این بخش به سؤال اصلی مقاله می‌پردازیم که در واقع روابط مصر و اسرائیل پس از تحولات به وجود آمده در مصر و برکناری مبارک به کدام سمت پیش می‌رود؟ پاسخ به این پرسش، فرضیه اصلی مقاله را آزمون می‌کند و در خلال بحث از روابط مصر و اسرائیل، فرضیه فرعی مقاله نیز آزمون می‌شود. در اوایل سال ۲۰۱۱ انقلابات خاورمیانه در بعضی از کشورهای منطقه پدیدار شد. شروع قدرت جنبش اعتراضی مردم که از تونس شروع شد، به سرعت به مثابه ویروس به دیگر کشورهای خاورمیانه از جمله یمن، مصر، بحرین، لیبی و اخیراً سوریه سرایت کرده است. در نتیجه از میان تمام این موارد، شاید بتوان گفت انقلاب مصر، به طور بالقوه به دو دلیل تأثیر بیشتری بر سیاست بین‌الملل به جای گذاشت. نخست به دلیل نقش مهم مصر به عنوان یک متحد منطقه‌ای مهم برای آمریکا و دوم به دلیل روابط مصر و اسرائیل و مسئله کشمکش‌های اعراب، اسرائیل. آغاز اعتراضات در مصر روز ۲۵ ژانویه بود. در صف مقدم معترضان، افراد جوانی حضور داشتند که از جریانات سیاست داخلی و بین‌المللی آگاه بودند. معترضان مصری می‌خواستند مبارک به عنوان یک دیکتاتور ۳۰ ساله استعفا دهد و این نخستین گام برای اصلاح مصر بود. با وجود فشارهای بین‌المللی پنهان از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا برای کاربرد خشونت علیه معترضان، سرانجام معاون سلیمان، رئیس‌جمهور اعلام کرد که مبارک استعفا داده و شورای عالی نیروهای مسلح، کنترل کشور را به دست گرفته است. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد، حمایت ایالات متحده در روزهای آخر از استعفای مبارک است که این تهدیدی برای روابط مصر و اسرائیل بود که در حالت صلح سرد قرار داشتند (Ikfal Raharjo, 2011). واکنش اسرائیل از همان اول به تحولات مصر نگران‌کننده بود. **نتانیا هو**، نخست‌وزیر اسرائیل در یک کنفرانس مشترک با همتای آلمانی خود **مرکل**، عنوان کرده بود که از تبدیل مصر به یک ایران اسلامی دیگر به شدت نگران است. بیشتر روزنامه اسرائیلی‌ها آرتص ضمن انتقاد از آمریکا که در روزهای آخر از مبارک حمایت نکرد، تأکید کرده بود که اسرائیل در روزهای آخر حکومت مبارک برای حفظ ثبات در مصر انتقادات خود را از مبارک محدود کرده است (Ravid, 24 June 2011). شبکه الجزیره نیز گزارش داده بود که وزارت امور



خارجه اسرائیل تمام سفرای خود را از کشورهای منطقه برای تصمیم‌گیری در مورد تحولات مصر و سناریوهای احتمالی آینده این کشور فراخوانده است. تظاهرات مصر، اسرائیل را به شدت به وحشت انداخته و مقامات نظامی این رژیم طی برگزاری جلسات بسیار طولانی استراتژی‌های کلی خود را برای آینده مصر بررسی می‌کنند. هم‌اکنون به گفته کارشناسان اسرائیلی مهم‌ترین تهدید برای آینده روابط مصر و اسرائیل و معاهده صلح به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین و یا حاکم شدن نگرش‌های آنان در دستگاه سیاست خارجی مصر خواهد بود. اخوان‌المسلمین در مصر یک تهدید بزرگ برای اسرائیل در مناقشات اعراب، اسرائیل است و منافع ملی این رژیم را به خطر می‌اندازد. (English.Aljazeera, 31 Jan 2011). **ایهود باراک**، وزیر دفاع اسرائیل در سخنان اخیر خود گفته: ما برای بدترین وضعیت آماده می‌شویم. همچنین وی اظهار داشته است که اسرائیل باید برای ارتقاء بلندمدت امنیت خود در منطقه برای نخستین بار بعد از دهه ۷۰ دست به کار شود. ارتقاء توان دفاعی اسرائیل به گفته باراک، باعث افزایش هزینه‌های نظامی آن بعد از تحولات مصر شده است. این درحالی است که اسرائیل تا اواسط دهه ۷۰ هر ساله توان دفاعی خود را افزایش می‌داد، اما از اواسط دهه ۷۰ به دلیل پیمان صلح با مصر و آرام‌تر شدن اوضاع، هزینه‌های دفاعی خود را از ۲۳ درصد تولید ناخالص ملی خود به حدود ۹ درصد کاهش داد (CNN.com, 13 February 2011). انقلابی که در مصر انجام شد روح افکار عمومی مصر را دوباره بیدار کرد. جامعه مدنی سرکوب‌شده در مصر پس از دوران استبدادی مبارک، دوباره برای تغییر ساخت سیاست داخلی و خارجی مصر به پاخواست. اتفاق مهمی که در این انقلاب به وقوع پیوست، بیداری افکار عمومی و جامعه مدنی در مصر بود. تا قبل از فروپاشی دولت مبارک، دولت در برابر جامعه مدنی در مصر مستقل بود و در عرصه داخلی و سیاست خارجی به‌تنهایی تصمیم می‌گرفت. در این بین قدرت سیاسی ملی هم در واقع قدرت دولت بود و نه قدرت جامعه و مردم. این اتفاق مهم بدون شک باعث تغییر ساخت سیاست داخلی و خارجی در مصر خواهد شد. بر همین اساس و با توجه به دوره‌های زمانی و همچنین چهارچوب تئوریک پژوهش حاضر، تا قبل از سال ۲۰۱۱، عرصه سیاست داخلی مصر و همچنین افکار عمومی در مورد رابطه با اسرائیل نمی‌توانستند

اظهار نظر کنند و عوامل و مفروضه‌های دیگر از جمله برداشت‌های ذهنی رهبران، ساختار قدرت بین‌الملل و مسئله امنیت اولویت‌ها و عوامل اصلی برای تصمیم‌گیری در مورد رابطه با اسرائیل بودند. تحولی که انقلاب مصر از منظر تئوری پژوهش به وجود آورد، اضافه کردن عنصر عرصه سیاست داخلی و نقش افکار عمومی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی مصر است. باین وجود این عامل می‌تواند تنها به تعدیل عوامل دیگر در رابطه با اسرائیل بپردازد. در سطور بعدی به عواملی اشاره خواهیم کرد که منجر به ادامه روابط مصر با اسرائیل خواهد شد.

۴. روابط مصر و اسرائیل پس از تحولات مصر

روابط مصر و اسرائیل طی سه دهه گذشته دستخوش انواع تحولات بوده است. پس از سقوط مبارک، افکار عمومی مصر، خواهان تغییرات اساسی در همه مسائل داخلی و خارجی بوده‌اند. بر همین اساس معاهده صلح و آینده روابط با اسرائیل یکی از دغدغه‌های اصلی مردم مصر و همچنین مطالبات آنها از کاندیداهای آینده انتخابات ریاست‌جمهوری است. مهم‌ترین گروهی که در مصر به رابطه با اسرائیل از بعد عقیدتی و ایدئولوژیک نگاه می‌کند، اخوان المسلمین است. از آغاز تحولات مصر و بعد از سرنگونی مبارک، شایعات زیادی در مورد اخوان المسلمین مطرح شده که آنها در صورتی که به قدرت برسند، یک کشور اسلامی با قوانین سفت و سخت اسلامی را به اجرا خواهند گذاشت. در پاسخ به این شایعات، این حزب در همان روزهای نخست سرنگونی مبارک، اقدام به تأسیس حزب سیاسی عدالت و آزادی کرده و تأکید کرده که در مصر آینده برای ترویج دموکراسی و مشارکت در حکومت تلاش خواهند کرد. اما به‌عنوان یک سازمان اسلامی، اخوان المسلمین موضع ضداسرائیلی خود را نمایان ساخته و اسرائیل را یک نیروی اشغالگر می‌داند. همچنین این حزب، بر حمایت خود از حماس و فلسطین تأکید کرده است (Shehata, 2011). بنابراین یکی از دغدغه‌های اصلی اسرائیل، آینده روابط صلح‌آمیز با مصر تحت سلطه اخوان المسلمین خواهد بود. در واقع مهم‌ترین منبع تهدید کنونی در روابط مصر و اسرائیل و معاهده صلح، به قدرت رسیدن اخوان المسلمین و حاکم شدن گرایش‌های آنان در دستگاه سیاست خارجی مصر

خواهد بود. برای اسرائیل و همچنین امریکا، انتخابات آینده مصر بسیار مهم خواهد بود و آنها تمرکزشان بر حمایت از احزاب لیبرال طرفدار غرب و یا افراد مورد حمایت دستگاه نظامی است. زیرا شورای عالی نظامی مصر طی بیانیه‌ای در روز ۱۲ فوریه ۲۰۱۱ اعلام کرد که مصر به تمام تعهدات بین‌المللی خود از جمله معاهده صلح، پایبند است. در واقع شورای نظامی مصر و امریکا دو عامل مهمی هستند که منجر به ادامه روابط مصر و اسرائیل می‌شوند. اما هم‌اکنون شورای نظامی حاکم در مصر مورد اعتراض جمع کثیری از مردم قرار گرفته است. میدان التحریر دوباره صحنه زدوخورد نیروهای امنیتی و گروه‌های سیاسی شده است، زیرا مردم، خواهان انتقال قدرت از نظامیان به دولتی غیرنظامی هستند. ارتش و نیروهای مسلح در مصر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست داخلی، اصلی‌ترین مانع قطع رابطه با اسرائیل می‌باشد. تا قبل از این تحولات، مصر تحت سلطه حسنی مبارک به‌نوعی نقش و تأثیری تعدیل‌کننده در منطقه خاورمیانه داشت. این تأثیر تعدیل‌کننده به‌مثابه یک نیروی ثبات‌بخش در منازعات اعراب و اسرائیل عمل می‌کرد (Ikfal, 2011). ایالات متحده از سال ۱۹۷۹ به‌طور متوسط سالانه ۲ میلیارد دلار کمک‌های اقتصادی و نظامی به مصر اهدا می‌کند. امریکا به‌منظور تأمین منافع خود از موجودیت اسرائیل در خاورمیانه حمایت می‌کند و در این میان کشور مصر به‌عنوان متحد مهم امریکا به‌طور ضمنی باعث تأمین منافع آن و حمایت از موجودیت اسرائیل شده است و به همین دلیل، وضعیت مصر فوق‌العاده برای امریکا مهم است. علاوه بر این مرز مصر و فلسطین در نوار غزه که پایگاهی برای گروه حماس است، در مناقشه فلسطین، اسرائیل نقشی حیاتی دارد. بنابراین روابط مصر و اسرائیل پس از مبارک یکی از نگرانی‌های بزرگ ایالات متحده است (Zarpli, 2011). بر همین اساس دولت امریکا با کمک و همراهی با ارتش مصر حداکثر تلاش خود را خواهند کرد که بر آینده روابط مصر و اسرائیل تأثیر بگذارند و از معاهده صلح محافظت خواهند کرد، زیرا در بعد استراتژیک هر دو طرف هم مصر و هم اسرائیل اگر قید معاهده صلح را بزنند، دوباره با معضل امنیت روبه‌رو خواهند شد. با توجه به این عوامل، روابط مصر و اسرائیل در سطح دولت - دولت ادامه پیدا خواهد کرد؛ چراکه نخبگان دو طرف به سودها و زیان‌های این معاهده آگاهند، اما

مردم دو طرف به‌ویژه مردم مصر مانند سابق به این روابط با دیده تردید و حقارت نگاه می‌کنند.

۵. تداوم روابط رسمی چالش‌برانگیز در سطح دولت - دولت و بروز

بدبینی‌های مردمی

در سطح دولت - دولت پیمان صلح پایگامی قوی برای هر دو طرف ایجاد کرده است و هر دو از این رابطه سود می‌برند. اظهار نظر رسمی مقامات اسرائیل در مورد مصر بعد از صلح کم‌دیوید بر این اساس بوده که مصر به‌عنوان یک شریک مهم استراتژیک برای اسرائیل محسوب می‌شود. نقش مصر به‌عنوان یک میانجی در قضیه اعراب، مناقشات فلسطین و آتش‌بس غیررسمی میان اسرائیل، فلسطین برای اسرائیل بسیار مهم بوده است. این صلح در بعضی مواقع دچار فرازونشیب‌هایی شده است. از جمله موقعی که هواپیماهای نیروی هوایی ارتش مصر در سال ۲۰۰۳ به تأسیسات تحقیقاتی هسته‌ای اسرائیل در مرز با مصر حمله کردند. این حادثه و حادثه‌های دیگر باعث شده که تحلیل‌گران، رابطه بین مصر و اسرائیل را به‌عنوان صلح سرد توصیف کنند (Freedman, 1998: 88). بیانیه شورای نظامی مصر در مورد پایبندی مصر به همه تعهدات بین‌المللی از جمله معاهده صلح، اگرچه تا حدودی توانست از اضطراب‌های اسرائیل بکاهد، اما هنوز نگرانی‌های زیادی از طرف اسرائیل در مورد حوادث آینده مصر و آثار بلندمدت آن وجود دارد. همچنین بعد از اینکه چندین بار در صدور گاز مصر به اسرائیل به دلیل انفجار و خرابکاری در خط لوله گاز صادراتی وقفه پیش آمد، اخیراً مصری‌ها در ملاقاتی که با اسرائیلی‌ها داشته‌اند، جریان صادرات را از سر گرفته‌اند. هرچند تأکید کردند که اسرائیل باید بهای گاز مصرفی را بالا ببرد. پس از این انفجار و خرابکاری، مصری‌ها وعده داده‌اند که سریعاً لوله آسیب‌دیده را بازسازی خواهند کرد و صادرات را از سر خواهند گرفت. تحولات مصر و بیانیه ارتش، نشان می‌دهد که نیروهای نظامی مصر اولاً از توسعه سیاسی در آینده این کشور حمایت خواهند کرد و ثانیاً به دلیل منافع استراتژیک مصر با اسرائیل و ارتباط آن با کمک‌های مالی - نظامی امریکا، از صلح مصر با اسرائیل حفاظت خواهند کرد و به تعهدات خود در این زمینه عمل می‌کنند (Hassan,

2) 2011: در این زمینه معاهده صلح برای هر دو طرف سودهای زیادی داشته است. از جمله اینکه تا حدود زیادی از هزینه‌های نظامی دو طرف که همیشه در وضعیت آمادگی نظامی قرار داشتند کاسته شده و مصر تا حدودی از وضعیت افسردگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با کمک‌های امریکا بیرون آمده است. همچنین اسرائیل در حال حاضر با کاهش بودجه دفاعی خود از ۲۳ درصد در زمان معاهده صلح به ۹ درصد توانسته تا حدی به رشد و شکوفایی اقتصادی دست پیدا کند. تا زمان قرارداد صلح و چند سال بعد از آن هزاران سرباز اسرائیلی و مصری در امتداد مرزهای هم‌مستقر بودند، اما امروزه این تعداد به چندصد سرباز کاهش یافته است (Ben-Meir, 2011). در صورت قطع رابطه، هر دو طرف هم از لحاظ سیاسی - اقتصادی و هم امنیتی ضربه خواهند خورد، زیرا اسرائیل ۴۵ درصد از گاز مورد نیاز خود را از مصر وارد می‌کند و همچنین مصری‌ها از قبیل این قراردادها سودهای کلانی به‌دست می‌آورند که در صورت قطع رابطه، ضررهای زیادی را تجربه خواهند کرد. در حال حاضر روابط مصر و اسرائیل بعد از مبارک یکی از نگرانی‌های بزرگ ایالات متحده است، زیرا در صورت لطمه به این رابطه، رابطه مصر و امریکا وارد مرحله جدیدی می‌شود. در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد مصر بخواهد از کمک‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی - آموزشی امریکا چشم‌پوشی کند. زیرا در صورت تغییر رادیکال در روابط با اسرائیل و قطع کمک‌های امریکا اقتصاد شکننده مصر ضربه بزرگی خواهد خورد (Hassan, 2011: 3)، اما در سطح مردم - مردم، در هر دو کشور اوضاع متفاوت است و مردم هر دو جامعه متفاوت فکر می‌کنند. در یک نظرسنجی که مؤسسه بین‌المللی زاگیبی در سال ۲۰۱۰ انجام داد ۹۰ درصد مردم مصر، از اسرائیل به‌عنوان یکی از دو کشوری که بزرگ‌ترین تهدید برای آنها محسوب می‌شود نام برده‌اند. در طرف دیگر، اکثر مردم یهودی در اسرائیل معتقدند اگر انقلاب مصر، مانند انقلاب ایران باعث به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان و تشکیل جمهوری اسلامی دیگری بشود، این اتفاق به پیمان صلح ضربه خواهد زد. طبق یک نظرسنجی که مؤسسه دموکراسی اسرائیل در دانشگاه تل‌آویو انجام داد، ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان یهودی شانس ظهور یک رژیم دموکراتیک را در مصر پایین می‌دانند. علاوه بر این، ۴۹ درصد فکر می‌کنند انقلاب بر توافقنامه صلح تأثیر منفی خواهد

گذاشت. با توجه به نقش افکار عمومی در آینده مصر، **گیدون لوی** در روزنامه هاآرتص استدلال می‌کند که توده مردم مصر هیچ‌گاه خواهان اتحاد با اسرائیل نبوده‌اند. در اوایل انقلاب مصر نیز گروه اخوان المسلمین با ارائه طرحی خواهان برگزاری referendum برای سنجیدن نظر مردم در مورد روابط با اسرائیل و قضیه فلسطین بودند. مردم و گروه‌های سیاسی نیز در زمان انقلاب در متهم کردن مبارک و موقعیتش در اتحاد و نزدیکی با اسرائیل و آینده فلسطین به اخوان المسلمین پیوستند (Ikfal Raharjo, 2011). در اوایل انقلاب، دولت موقت نیز برای جلب افکار عمومی و گذر از تحولات انقلابی اعلام کرده که در تجارت با اسرائیل تجدیدنظر می‌کند، همچنین بازشدن گذرگاه رفح در مرز مصر را باید از این نوع سیاست‌ها دانست (Kirkpatrick, 2011). بعد از انقلاب مصر، مهم‌ترین چالشی که در روابط این دو کشور به وجود آمده و قدرت افکار عمومی و نقش جامعه مدنی در عرصه سیاست داخلی مصر را به تصویر کشیده است، تسخیر سفارت اسرائیل توسط انقلابیون بود. حمله جنگنده‌های اسرائیلی به صحرای سینا در بامداد ۱۹ آگوست ۲۰۱۱ و کشته شدن شش تن از افسران ارتش مصر، باعث خشم مصری‌ها و حمله آنها به سفارت اسرائیل شد. عدم عذرخواهی مقامات اسرائیل از این اقدام و فشار افکار عمومی جامعه مصر به دولت باعث شد تا مصر سفیر خود را از اسرائیل فرابخواند. این بدگمانی در روابط دوطرفه در سطح مردم دو کشور و قدرت‌گیری افکار عمومی و نقش آنها در ساخت سیاست داخلی در مصر، روابط مصر و اسرائیل را به مخاطره می‌اندازد و به‌طور غیرمستقیم به‌عنوان نشانه‌ای بد برای آینده روابط بین دو کشور محسوب می‌شود (Hassan, 2011: 2). این نکته را نباید فراموش کرد که مردم دو کشور از زمان تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به روابط بین دو کشور اعتمادی نداشتند. این بی‌اعتمادی در دوران مبارک هم ادامه پیدا کرد. این نشان می‌دهد که مصر در روابط خود با اسرائیل و میانجیگری در مسائل اعراب و فلسطین از قدرت مدیریت دولت و سیاست آن استفاده می‌کند، نه از افکار عمومی و نظر آنها؛ و این نشان می‌دهد که هر سیاستی را که مصر در مدیریت روابط با اسرائیل برعهده می‌گیرد غیرمردمی است و وجهه ملی ندارد و از جمله عناصر غیرمردمی این سیاست، مواردی است که در روابط مصر و اسرائیل تعیین‌کننده

هستند (Madi, 2011: 2-3). در واقع در راستای بحث اصلی پژوهش می‌توان این نکته را عنوان کرد که با افزوده شدن نقش عرصه سیاست داخلی مصر و افکار عمومی در روابط با اسرائیل، یکی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب مردمی مصر تغییر روند تعاملی - امنیتی مصر و اسرائیل به یک معادله تقابلی - امنیتی به ترتیب در سطح مردم - دولت است که باعث می‌شود دو دولت، به‌ویژه دولت مصر از یک طرف با فشار امریکا و ارتش و از طرف دیگر با فشار افکار عمومی و گروه‌های سازنده عرصه سیاست داخلی، تصمیماتی در آینده روابط این دو کشور بگیرد که هدف اول آن تأمین منافع ملی و رضایت کارگزاران سیاست داخلی باشد. البته نباید از این نکته بگذریم که چه در گذشته و چه در آینده، ارتش یکی از منابع اصلی قدرت در عرصه سیاست داخلی مصر است که می‌تواند در آینده روابط مصر و اسرائیل تأثیرگذار باشد و فشار و کمک‌های امریکا به دولت و ارتش مصر نیز تصمیمات مردمی دولت را که برای رضایت کارگزاران و گروه‌های سیاست‌ساز داخلی گرفته شده است، متعادل و یا خنثی می‌کند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با توجه به چهارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی به تبیین روابط مصر و اسرائیل در چهار دوره تاریخی پرداخت. بر این اساس در دوره اول زمانی، عامل امنیت، مهم‌ترین عامل در ایجاد تخاصم و روابط طرفین بود. بعد از امضای معاهده صلح توسط طرفین که ناشی از نگاه رهبران دو طرف بود، روابط رسمی دو کشور شروع شد. عامل ساختار قدرت بین‌المللی در کنار فشارهای امریکا نیز در امضای معاهده از طرف مصر تأثیرگذار بود. روابط بین مصر و اسرائیل بعد از دهه ۹۰ به سمت عادی شدن مناسبات پیش رفت. در این برهه درک دو طرف از ساختار قدرت و همچنین درک جایگاه خود در نظام بین‌المللی باعث شد تا به سمت یک نوع موازنه تهدید در سطح بین‌الملل حرکت کنند. در این بین نگاه امنیتی دو طرف نسبت به هم در حین همکاری و همچنین برداشت آنها از یکدیگر به‌عنوان تهدید، علاوه بر همکاری باعث نوعی رقابت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شد. در مرحله چهارم، ضمن بیداری افکار عمومی و جامعه مدنی در مصر و تحول در سیاست

داخلی، برداشت ذهنی رهبران مصر در کنار یک اتحاد امنیتی استراتژیک با اسرائیل و امریکا موجب همکاری بیشتر طرفین شد. تحول اساسی در مصر در مرحله بعد از مبارک، بیداری افکار عمومی و جامعه مدنی و پررنگ شدن عرصه تصمیم‌گیری سیاست داخلی در امور بین‌الملل است. با وجود این، آینده روابط مصر و اسرائیل تنها تحت تأثیر این عامل نخواهد بود. همان‌طور که اشاره شد، ساختار قدرت بین‌المللی از جمله امریکا به‌عنوان یک ابرقدرت با کمک‌های سالانه خود و فشار به حکومت آینده در مصر باعث تعدیل عرصه سیاست داخلی مصر و تصمیم‌گیری آنها در رابطه با اسرائیل خواهد شد. با تسلط بر چشم‌انداز سیاسی آینده سه بازیگر عمده امروز در مصر وجود دارد که سیاست داخلی و خارجی مصر در آینده براساس نظر آنها رقم خواهد خورد. این سه گروه عبارتند از ارتش، اخوان المسلمین و جوانان انقلابی (جنبش ۶ آوریل). جنبش ۶ آوریل تمرکزش بر مسائل داخلی و مطالبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. این جنبش با وجود حمایت از مقاومت، هرگز خواهان قطع رابطه با اسرائیل نبوده است. گروه بعدی اخوان المسلمین است. این گروه هرچند از مخالفان قدیمی مبارک بوده اما نقش اصلی را در مبارزات علیه وی و سرنگونی آن نداشته است. آنها در دوران انقلاب به‌طور آهسته بر موج تحولات سوار شدند و خود را با آن همراه کردند. البته باید توجه کرد که اخوان المسلمین مهم‌ترین عامل تهدید در آینده روابط مصر و اسرائیل است و با قدرتی که دارد می‌تواند این رابطه را دچار چالش کند. در زمینه آینده مصر همان‌طور که ذکر شد، آنها با پیروی از خواسته‌های جنبش جوانان مصر خواهان انتخابات آزاد و مصری دموکراتیک هستند، اما در حوزه سیاست خارجی اعلام کرده‌اند که در آینده در روابط با اسرائیل تجدیدنظر خواهند کرد که البته در این زمینه بین اعضای اخوان المسلمین چنددستگی وجود دارد و بعضی از آنها با درنظر گرفتن منافع ملی با اقدامات رادیکال مخالف هستند. اما اکثر اعضای جنبش براساس ایدئولوژی اسلامی‌اش خواهان حمایت از مقاومت فلسطین هستند. بازیگر بعدی تحولات مصر که در واقع بعد از مبارک مهم‌ترین نقش را در تحولات داخلی و خارجی چه در حال حاضر و چه در آینده بازی خواهد کرد، ارتش است. در طول تظاهرات، ارتش به‌عنوان یک نیروی خنثی عمل کرد و این نشان داد آنها با

مبارک نیستند. البته سوءظن به ارتش در مصر زیاد است، زیرا مردم فکر می‌کنند هنوز بعضی از ارتشی‌ها از یاران قدیمی مبارک هستند و می‌خواهند انقلاب را دچار انحراف کنند. با وجود این در شرایط حاضر و احتمالاً تا زمانی که دولت دموکراتیک در مصر پابگیرد، ارتش نقش مهمی را در تحولات مصر بازی خواهد کرد.

باید در نظر داشت که روابط مصر و اسرائیل مانند سابق نخواهد بود و مصر با در نظر گرفتن منافع ملی و نقش ارتش، به این روابط ادامه خواهد داد. به همین سان به احتمال زیاد مصر در بعضی حوزه‌ها از جمله معاهده صلح به دنبال تغییرات و گرفتن امتیاز بیشتر از اسرائیل و دستیابی به منافع راهبردی بلندمدت‌تری می‌باشد. از جمله این منافع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برخی تغییرات برای تقویت حضور در صحرای سینا و عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای سال ۱۹۶۷ همان‌طور که در مقدمه معاهده صلح ذکر شده است؛

۲. تأسیس دولت خودمختار در کرانه باختری نوار غزه؛

۳. به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین در مرزهای سال ۱۹۶۷ توسط

اسرائیل؛

۴. همکاری با دولت‌های ضداسرائیلی از جمله ایران برای گرفتن امتیاز بیشتر؛^(۱)

۵. اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ در مورد بازگشت به مرزهای سال ۱۹۶۷ و

ترک متصرفات خود در جنگ ۶ روزه (Madi, 2011: 4).

به‌طور حتم هر تغییری در سطح تعاملات و عوامل راهبردی روابط بین مصر و

اسرائیل، بر آینده مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، تأثیری بنیادین بر جای می‌گذارد و آینده موازنه قوا در نظام بین‌الملل را نیز دگرگون خواهد کرد.*

یادداشت‌ها

۱. ممکن است برخی از اعضای دولت جدید مصر در آینده به نفع روابط نزدیکتر با ایران یا بعضی دیگر از کشورهای همسایه نگرشهای تهاجمی تری را نسبت به اسرائیل داشته باشند. البته باید این نکته را هم در نظر گرفت که مصر در گذشته و نیز در آینده رقیب ایران بوده و خواهد بود و این کشور و اسرائیل در گذشته در جلوگیری از دستیابی ایران به اهداف خود، از جمله توان هسته ای منافع مشترکی داشته اند.



منابع

الف - فارسی

- الحافظ، زیاد. ۱۳۸۹. *پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان، (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)*، ترجمه محمدرضا بلوردی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور چرنوف، فرد. ۱۳۸۸. *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- خزائی، سعید. شهریور ۱۳۸۴. «روش‌های مطالعات آینده‌پژوهی»، *گزارش راهبردی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی*، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- شاذلی، سعدالدین. ۱۳۸۵. *جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (جنگ اعراب و اسرائیل)*، ترجمه بیژن افتخارجوهری، تهران: نشر اطلاعات.
- صبری، انوشه. ۱۳۸۶. «مناسبات مصر و اسرائیل در سه دهه اخیر»، *فصلنامه مطالعات افریقا*، پاییز و زمستان، شماره ۱۶.
- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۴. *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: نشر میزان.
- مرادی‌پور، حجت‌الله. تابستان ۱۳۸۴. «آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها»، *فصلنامه رهیافت*، شماره ۳۶، صص ۵۰-۴۵.
- مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۶. *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا. ۱۳۸۹. *مروری بر روابط خارجی رژیم صهیونیستی*، تهران: انتشارات نداء زیتون.

ب - انگلیسی

- Al Jazeera and agencies. 31 Jan 2011. *Israel 'fears' post-Mubarak era*, linked available at: <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2011/01/2011113177145613.html>.
- Azar, Edward E. 1972. "Conflict escalation and conflict reduction in an international crisis: Suez, 1956", *Journal of Conflict Resolution*, June, Vol. 16, No. 2: pp. 183-201.



- Ben- meir, alon. 2011. ***Egypt-Israel bilateral relations***, february23, 2011, Available at: <http://www.thedailynewsegypt.com/columnists/egypt-israel-bilateral-relations.html>
- Israeli-Egyptian Relations, 1980-2000***. 2001. Publisher: Routledge Doweck, Ephraim.
- Egyptian - Israeli relations 1948 - 2011***. 03 February 2011. linked accessedavailable at: <http://www.middleeastmonitor.org.uk/resources/fact-sheets/2018-egyptian-israeli-relations-1948-2011>
- Eldar,dan. 2003. "Egypt and Israeel: a Reversible Peace", ***Middle East Quarterly***, Fall 2003, Vol. X, No. 4, pp. 57-65
- Fatah official urges Hamas to sign Egyptian reconciliation plan***. Sunday, 24 January 2010. accessed linked at: <http://www.siasat.com/english/news/fatah-official-urges-hamas-sign-egyptian-reconciliation-plan>.
- Freedman, Robert Owen. 1998. ***ed. The Middle East and the Peace Process: The Impact of the Oslo Accords.gainesville***, University Press of Florida.
- Gazit, shlomo. June 2009. "Israel and Egypt: What Went Wrong?", ***Strategic Assessment***, Vol. 12, No. 1, June 2009, available at: [www.inss.org.il/upload/\(FILE\)1244445198.pdf](http://www.inss.org.il/upload/(FILE)1244445198.pdf).
- Gerges,a, fawaz. 1995. "Egyptian- Israeli relations turn sour", ***jornal foreign affairs***, Vol. 74 , may, june1995, pp 69-78.
- Goldstone, Richard. 15 September 2009. ***Reconsidering the Goldstone Report on Israel and warcrimes***, Published: April 1, available at: http://www.washingtonpost.com/opinions/reconsidering-the-goldstone-report-on-israel-and-war-crimes/2011/04/01/AFg111JC_story.html
- Hassan, Bassem. 14 october 2011. ***The Future of Egyptian-Israeli Relations***, Al Jazeera Centre for Studies Reporter, linked available at: www.aljazeera.net/mritems/streams/2011/10/.../1_1092987_1_51.pdf.pp1-4.
- Ikfal Raharjo, Sandy Nur. 8 March 2011. ***Israel-Egypt Relations in the Post-Mubarak Era***, accessed linked available at: <http://www.politik.lipi.go.id/index.php/en/columns/politik-internasional/423-israel-egypt-relations-in-the-post-mubarak-era>.
- Israel consulted Egypt, Fatah on Gaza war: WikiLeaks***. 29 November 2010 - 08H49 <http://wikileaks.ch/> and _ <http://www.france24.com/en/20101129-israel-consulted-egypt-fatah-gaza-war-wikileaks>

Israeli defense minister: Relations between Israel, Egypt not at risk.

February 13, 2011. By the CNN Wire Staff ,available at: linked http://articles.cnn.com/2011-02-13/world/egypt.israel_1_israel-and-egypt-muslim-brotherhood-hussein-tantawi?_s=PM:WORLD.

karawan, Ibrahim. 1994. "Sadat and the Egyptian-Israeli Peace Revisited", **International Journal of Middle East Studies**, Vol. 26, issue 02, pp:249-266.

Kirkpatrick, david. 25may 2011. **Egypt to Open Border With Gaza, in the Face of Israeli Objections**, linked accessed: <http://www.nytimes.com/2011/05/26/world/middleeast/26egypt.html>, on page A8 of the New York edition with the headline.

Kirshner, jonathan. 2010. "the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china", **European journal of international relations**, 2010.

Madi, Abd al-Fatah. 11 May 2011. **Relations between Egypt and Israel in the wake of the revolution**, linked accessed available at: <http://www.middleeastmonitor.org.uk/articles/middle-east/2337-relations-between-egypt-and-israel-in-the-wake-of-the-revolution>.

Odonnel, claramariana. 2008. **The EU, Israel and Hamas,center for European reform working paper**, linked available at: www.cer.org.uk/pdf/wp_820.pdf, pp:1-33

Oren, Micheal. 2002. **Six days of war**, oxford university press.

Okman, Jonathan. 2002. **The Camp David Accords A Case Study on International Negotiation**, WWS 547- Final Project, January 8, 2002,available linked at: www.princeton.edu/research/cases/campdavid.pdf.

Pipes, Daniel. November 21, 2006. **Time To Recognize Failure Of Israel-Egypt Treaty**, linked accessed, <http://www.nysun.com/foreign/time-to-recognize-failure-of-israel-egypt-treaty/43906/>.

Post-Mubarak: Israel-Egypt Relations. 2011. **Post-Mubarak: Israel-Egypt Relations**, available linked at: <http://www.instmed.org/imed/2011/03/post-mubarak-israel-egypt-relations.html>.

Quandt, William.b. 2003. **campdavid, peace making and politics**, the brookings institution washington,d.c.

Ravid, Barak. 24 June 2011. **Israel urges world to curb criticism of Egypt's Mubarak**, linked available at: <http://www.haaretz.com/print->



edition/news/israel-urges-world-to-curb-criticism-of-egypt-s-mubarak-1.340238?localLinksEnabled=false.

Cohen, Raymond. 1990. **Culture and Conflict in Egyptian-Israeli Relations: A Dialogue of the Deaf**, Indiana University Press.

Shehata, Said. 30 September 2011. **Profiles of Egypt's political parties**, linked available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-15899548>.

Stein, Kenneth. W. 1997. "Continuity and Change in Egyptian-Israeli Relations, 1973-97", **Israel Affairs**, Spring/Summer, Vol. 3, Nos. 3&4, pp. 296-320.

Stein, Kenneth w. 1991. **Madrid middle east peace conference**, October 30-november 2, 1991, the study of modern Israel (ISMI), pp:1-4.

Sullivan, Denis.J. 1996. **American Aid to Egypt**, 1975-96, Peace without development, Middle east policy Journal, Vol. 4, issu. 4, pp. 36-49, octobr.1996.

Telhami, Shibley. 1999. "From Camp David to Wye: Changing Assumptions in Arab - Israeli Negotiation", **Middle East Journal**, Vol. 53, No. 3, Special Issue on Israel (Summer, 1999), pp. 379-392.

The Arab-Israeli Wars. 1948-2006. linked available at: <http://www.jrcrboston.org/focus/support/israels-history/the-arab-israeli-wars.html>

The Arab Organisation of Human Rights in the UK. 2010. Report- **Middle east monitor, Special report - Egyptian government infected by mad Israeli wall disease**, linked available at: www.middleeastmonitor.org.uk/.../the-arab-organisation-of-human-rights-i.

The Israel Project Jerusalem Office. 2011. **Egypt and Israel Past, Present and Future Relations Office**, linked available at: www.theisraelproject.org/atf/cf/.../EGYPT_AND_ISRAEL_20110214.Pdf.

Zarpli, Omer. 04 May 2011. **US-Egypt Relations After the Mubarak Government: What's Next?**, Accessed available at: http://www.bilgesam.org/en/index.php?option=com_content&view=article&id=353:us-egypt-relations-after-the-mubarak-government-whats-next&catid=77:ortadogu-analizler&Itemid=147

Zittran, lauraand, and neil caplan. 2010. **Negotiating Arab-Israeli peace: patterns, problems**, possibilities, second edation, published Indiana university press.

23 Days of War, 928 Days of Closure. December 2009. **Life one year after Israel's latest offensive on the Gaza Strip**, 27 December 2008 – 18 January 2009, Palestinian Centre for Human Rights (PCHR), linked accessed at: www.pchrgaza.org/files/Reports/English/pdf_spec/23-days.pdf

